

نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی

علی اسدی ۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۱

چکیده

با نگاه توحیدی، عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است که یکی از زیرمجموعه‌های آن "نظام اقتصادی" است. در این مقاله منظور از نظام اقتصادی، به‌کارگیری قواعد اقتصادی نظام الهی است با سایر نظام‌ها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف نیازهای جامعه را بر عهده دارد. با این تعریف نظام اقتصادی شامل سه بخش عمده "مکتب اقتصادی"، "نهادهای مرتبط با اقتصاد" و "علم اقتصاد" می‌شود. با ترکیب این سه عنصر "اقتصاد ملی" که به نوعی در یک نظام اسلامی همان "نظام اقتصاد اسلامی" است، شکل می‌گیرد و در قالب "حکومت اسلامی" تحقق می‌یابد. هدف نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان، افزایش ثروت جامعه و "رفاه عمومی" است. باین نگاه می‌توان گفت "اقتصاد مقاومتی" محصول اقتصاد اسلامی است که در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار به تخصیص بهینه منابع می‌پردازد. از این رو اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمان دارد و از نهادهای اقتصادی و اجتماعی مناسب هم بهره‌مند می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مکتب اقتصادی، علم اقتصاد، نهادها، نظام اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

موضوع اقتصاد و به‌ویژه علم اقتصاد از آغاز زندگی بشر با او همراه بوده است. رفتارهای اقتصادی انسان ریشه در نیازهای او دارد. با گذشت زمان، افزایش جمعیت، محدودیت منابع و نیز با افزایش و تنوع نیازها در فرایند تحولات جهانی و توسعه تمدن بشری، مسئله اقتصاد و تأمین معاش و نیازمندی‌های رو به تزاید انسان دائماً متحول و پیچیده‌تر می‌شود. به لحاظ اهمیت، مسئله اقتصاد در مکاتب مختلف با دیدگاه‌های متفاوت مبتنی بر جهان‌بینی‌های آنها تفسیرهای متعددی شده است. این موضوع در مکاتب مادی به هدف زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده است به طوری که همه چیز را برای اقتصاد و تأمین معاش و رفاه مادی و دنیوی پیگیری می‌کنند. در تاریخ تکامل علم اقتصاد مکاتب مختلفی از این نگرش‌ها برای تبیین رفتارهای اقتصادی بشر ظهور یافته‌اند و پس از مدتی با پیدایش دیدگاه‌های مکاتب جدیدتر حذف یا به حاشیه رفته‌اند.

در کنار این دیدگاه‌های مادی‌نگر، مکاتب الهی و آخرت‌نگر هستند که اقتصاد را نه هدف زندگی بشر بلکه وسیله‌ای برای حیات بشر می‌دانند تا با آن به هدف‌های متعالی دست یابند. در این دو دیدگاه مبانی دو نگاه به اقتصاد کاملاً متفاوت است. بنابراین صاحبان اندیشه در این دو دیدگاه به راحتی نمی‌توانند همدیگر را درک کنند و به ماهیت و وظیفه اقتصاد که علی‌القاعده باید در همه جوامع یکسان باشد، برسند. این اختلاف زمانی تشدید می‌شود که اندیشمندان دو دیدگاه در منتهالیه افراطی این نظریات قرار می‌گیرند. نفی آنچه که مادی نیست و ختم تمام راه‌ها به حیات دنیوی از یک سو و نپذیرفتن اقتصاد و تأمین رفاه به عنوان یک اصل در زندگی بشر از سوی دیگر، منشأ عدم تفاهم‌ها و به تبع عدم استفاده از جنبه‌های مثبت هر دیدگاهی خواهد شد. در این میان موضوع اصلی این است که واقعاً مسئله اقتصاد چیست، در کجای زندگی بشر است، وظیفه آن چیست و با تنگناها و بحران‌های اقتصادی ناشی از عوامل اقتصادی و سیاسی چگونه برخورد می‌شود. به خصوص اینکه گاهی اقتصاد به عامل فشار کشورهای معارض و رقیب تبدیل می‌شود.

این مقاله در صدد است که با تبیین موضوع از منظر دو دیدگاه و استفاده از وجه مشترک اقتصاد متعارف به مسئله اقتصاد در جامعه اسلامی بپردازد. از این رو موضوعات علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و نظام اقتصادی بحث می‌شود و سپس نتیجه‌گیری می‌شود که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و هر اقتصاد اسلامی ذاتاً مقاومتی است بنابراین مناسب‌ترین راه برای تحقق اقتصادی پویا و مقاوم؛ پیگیری و اجرای اقتصاد اسلامی خواهد بود.

۱. مبانی نظری

با نگاه توحیدی، عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است. اسلام به معنای وسیع کلمه برای حاکم کردن این نظام بر عالم از جانب خداوند متعال به‌وسیله پیامبران بزرگ عرضه شده است. این نظام الهی (یا همان نظام اسلامی) زیرمجموعه‌هایی دارد که از جمله آنها نظام اجتماعی، نظام سیاسی، نظام طبیعی، نظام اقتصادی و... است که با هم مرتبط‌اند و بر هم اثر متقابل دارند. در یک تعریف، نظام به معنای

سامانه، سیستم یا مجموعه‌ای هماهنگ از پدیده‌ها و قواعد حاکم بر آنهاست. حال سؤال این است که نظام اقتصادی چیست؟

تعاریفی که برای نظام اقتصادی بیان شده است عبارت‌اند از:

الف) نظام اقتصادی مجموعه مرتبط و منظم عناصری است که به‌منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند (نمازی، ۱۳۸۲: ۲۹).

ب) نظام اقتصادی یک الگوی عملی اقتصادی متشکل از ابعاد مختلف و نهادهای متفاوت است که برای رسیدن به هدف مشخص با یکدیگر هماهنگ باشند (لطفعلی پور، ۱۳۸۳: ۹۴).

ج) نظام اقتصادی مجموعه‌ای هماهنگ از پدیده‌های اقتصادی و قواعد حاکم بر آنهاست.

وظیفه هر نظام ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب است. در این تحقیق منظور از نظام اقتصادی، نظامی است که با به‌کارگیری قواعد اقتصادی نظام الهی، در ارتباط با سایر نظام‌ها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف جامعه را بر عهده دارد. هر نظام اقتصادی با این تعریف شامل سه بخش عمده می‌شود: مکتب اقتصادی، نهادهای مرتبط با اقتصاد و علم اقتصاد.

- مکتب اقتصادی

مکتب، مجموعه اندیشه‌ها و افکاری است که جمعی از آن پیروی می‌کنند (همان: ۹۳). مکتب اقتصادی رشته افکار مبتنی بر روش معین در باب جنبه‌های اساسی رفتار اقتصادی است مثلاً مکاتب کلاسیک، شیکاگو و... مکتب اقتصادی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و بایدها و نبایدهای اقتصاد را معین می‌کند و شامل فلسفه اقتصادی، اخلاق اقتصادی، سیاست اقتصادی، فقه اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و... در نظام اقتصادی اسلام است. هر کدام از این عناصر در جای خود و همه آنها به عنوان یک مجموعه، مکتب اقتصادی را تشکیل می‌دهند. حلال و حرام و... از فقه اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی (حتی گاهی سیاست‌هایی مثل سیاست‌های پولی و مالی) منبعث و برگرفته از مکتب اقتصادی است.

- نهادهای اجتماعی - اقتصادی

نهادهای اجتماعی ساختارها و سازوکارهای نظم و همکاری هستند که رفتار گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کنند نهاد اجتماعی^۱ معمولاً برای اشاره به آداب و رسوم و الگوهای رفتاری است که برای جامعه و همچنین سازمان‌های رسمی خاص دولتی و خدمات عمومی اهمیت دارد و به کار می‌رود.

نهادهای مدنی در راستای ایجاد قابلیت در جهت توسعه مبانی فرهنگی و اجتماعی در کشورها بوجود می‌آید. مشخصه اصلی نهادهای مدنی، غیردولتی بودن آنها و عدم وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی و ارگان‌های دولتی کشور است. نهادهای مدنی شامل احزاب و انجمن‌های صنفی است.

به‌طور خلاصه نهادها مجموعه قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی در جامعه و نیز سازمان‌هایی است که آنها را اجرا می‌کنند. بنابراین نهادهای تأثیرگذار بر پدیده‌های اقتصادی در هر جامعه دو دسته‌اند: دسته اول، نهادهای منبعث و برخاسته از ساختار حاکمیت در نظام اقتصادی (نهادهای رسمی) و دسته دوم نهادهای شکل‌گرفته در جامعه براساس آداب و رسوم، فرهنگ و... (نهادهای غیررسمی). البته نهادها از هر نوع و شکل، تحت تأثیر مکتب حاکم بر جامعه خواهند بود و نهادهای مقبول و مطلوب در نظام اسلامی نهادهایی خواهند بود که حداقل با اصول و ارزش‌های مکتبی مغایرت نداشته باشند ولو اینکه به عنوان واقعیت در جامعه وجود داشته باشند.

- علم اقتصاد

اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود برای برآورده کردن هرچه بیشتر نیازهای بشر است و علم کشف رابطه بین پدیده‌های اقتصادی است. نیازهای بشر یا علاقه به توسعه و رفاه باعث پیدایش و رشد علوم به‌خصوص علم اقتصاد شده است. "تدبیر منزل" یا تدبیر معاش تعریف درستی بوده که ابتدا برای علم اقتصاد گفته‌اند. امروز آن را تخصیص بهینه منابع می‌گویند که همان مفهوم است. اقتصاد، علم مطالعه رفتار اقتصادی افراد (حقیقی و حقوقی) است. مصرف‌کننده اغلب به دنبال افزایش مطلوبیت خویش است. تولیدکننده با هدف کسب درآمد و سود به تولید همت می‌گمارد.

علم اقتصاد شیوه بهینه تولید، توزیع و مصرف را تبیین می‌کند، اینکه کالایی چگونه تولید شود که با کمترین هزینه بیشترین محصول حاصل شود، چگونه توزیع شود تا رفاه جامعه حداکثر شود و تحلیل مصرف بر این اساس که چگونه تقاضای بهینه مصرف‌کننده تحت تأثیر عوامل مختلف شکل می‌گیرد، در حوزه علم اقتصاد قرار دارد. علم اقتصاد ابزار بهینه‌سازی وضعیت اقتصادی (فرد و جامعه) است که در چارچوب قیدها و محدودیت‌های مکتب اقتصادی و با در نظر گرفتن ملاحظات نهادی عمل می‌کند. به عبارت دیگر رعایت قوانین مکتب و قواعد نهادهای اجتماعی حیطه تبیینی علم اقتصاد در هر جامعه است. علم اقتصاد مثل هر علم دیگری سیر تکاملی دارد. این علم مبتنی بر شرایط زمان، مکان، نیازها و تجربیات بشر است. براساس فرضیاتی، نظریاتی داده می‌شود گاهی درست است یا حداقل در مقطعی درست عمل می‌کند و گاهی هم نیست. در هر صورت در فرایند زمان و تجربیات بشر تغییر می‌یابد و کامل می‌شود. علم اقتصاد نمی‌تواند مبنای قضاوت‌های ارزشی قرار گیرد؛ زیرا خواستگاه مسائل ارزشی مکتب است و علم اقتصاد صرفاً به روابط علت و معلولی بین پدیده‌ها می‌پردازد (لطفعلی پور، ۱۳۸۳: ۹۲). از این رو علم اقتصاد جنبه مذهبی و مکتبی ندارد و نمی‌توان آن را اسلامی یا سرمایه‌داری دانست. علم اقتصاد روش و ابزار در خدمت مکتب برای تحقق آرمان‌ها در قالب یک سیستم اقتصادی است. از علم اقتصاد نباید انتظار علت‌غایی و فلسفی برای هستی داشت. این جنبه‌ها مربوط به مکتب و فلسفه اقتصادی است و نه علم ابزاری که فقط وسیله‌ای برای دستیابی به بهینه‌های نسبی در جنبه‌های مادی اقتصادی است.

گاهی با تصور اینکه علم اقتصاد غربی است آن را مورد غضب قرار می‌دهند. اگرچه علوم جدید در مقطع فعلی خاستگاه غربی دارند، اما علم برای دنیای غرب نیست. علم کشف و شناخت روابط بین پدیده‌های

عالم است^۱ که امروزه غربی‌ها زودتر از دیگران به آن دست یافته‌اند، کمالینکه روزگاری ایران و دنیای اسلام مهد علم و تمدن محسوب می‌شدند. به هر حال هر کشوری الگویی برای اداره اقتصاد لازم دارد که این الگو از ادبیات اقتصادی مطابق ویژگی هر کشوری استخراج می‌شود. تا جایی که به علم اقتصاد مربوط می‌شود کشورها می‌توانند از مدل‌های توسعه مشابه استفاده کنند. الگوی پویای چندبخشی^۲ خواستگاه آمریکایی-کانادایی دارد؛ ولی در فرانسه اجرا شده است (توفیق، ۱۳۸۵: ۱۱۹). این کشورها لزوماً ماهیت مشترک ندارند و به نوعی رقبای دیرینه هم هستند. علم نعمت الهی و دستیابی به آن توفیق الهی است «طلب العلم ولو بالصین» امر پیامبر بزرگ اسلام است. به یقین علم در چین آن روز علم دین نبوده بلکه علوم و فنی است که به عنوان ابزار و شیوه‌های تولید برای بهبود زندگی و معیشت جامعه لازم بوده است. قواعد برخی علوم مثل علم اقتصاد اگر تعارضی با احکام اسلامی نداشته باشد می‌تواند حداقل جزء احکام امضایی دین باشد.

۲. نظام اقتصاد اسلامی

با ترکیب سه عنصر "علم اقتصاد"، "مکتب اقتصادی" و "نهادهای اقتصادی-اجتماعی"، اقتصاد ملی که به نوعی در یک نظام اسلامی همان "نظام اقتصاد اسلامی" است، شکل می‌گیرد. اقتصاد اسلامی در قالب یک "حکومت اسلامی" تحقق می‌یابد. در واقع اقتصاد اسلامی با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد و نهادها، در خدمت مکتب یا همان اهداف نظام اسلامی است. علم، مکتب و نهادهای اقتصادی بر هم اثر متقابل دارند. کشف‌ها و نوآوری‌های علمی در نظریه‌های مکاتب پویا اثر می‌گذارند. از طرفی دیدگاه‌های مکتبی بنیان‌های فکری را متأثر می‌سازند و این امر در دیدگاه‌های علمی اثر می‌گذارد و نهادهای اجتماعی از هر دو اثر می‌پذیرند و بر آنها اثر می‌گذارند. علم اقتصاد قانون‌مندی رفتار انسان را استخراج و تبیین می‌کند (یا رفتار را قانون‌مند می‌کند). دین (به عنوان یک نهاد اجتماعی) رفتار را می‌سازد یا تغییر می‌دهد. اگر رفتار انسان تغییر کند، مسیر و جهت علم اقتصاد تغییر می‌کند. به‌ویژه اگر تحت تأثیر مکتب یا فرهنگی تغییر کند علم اقتصاد بدون تعصب آن رفتار را تئوریزه خواهد کرد. بنابراین مادامی که رفتارهای اقتصادی افراد و جوامع همسان است علم اقتصاد کاربردی یکسان و تفسیری مشابه خواهد داشت. اگر تحت تأثیر و هدایت مکتب و فرهنگی، رفتارها تغییر یابند مطمئناً جهان علم این رفتارها را تئوریزه کرده و علمی می‌نامند.^۳

۱. حضرت آیت ... جوادی آملی می‌فرماید: علم یعنی آگاهی از ربط واقعی اشیاء که فعل خدای سبحان است. (گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت ... جوادی آملی درباره ضرورت تحول در علوم انسانی با رویکرد اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع))

2. Modele Dynamique Multisectoriel

۳. رفتارهای اقتصادی انسان و انسان اقتصادی از دید مکاتب مختلف بحثی مهم و خارج از حوصله این مقاله است و مطالعه جداگانه‌ای لازم دارد.

مسئولیت بایدها و نبایدها در نظام اقتصادی با صاحب‌نظران در حوزه مکتب اقتصادی است. مسئولیت هست‌ها، نیست‌ها و اگر- آنگاه در حوزه علم اقتصاد با متخصصان و عالمان آن است. مسئولیت نظام اقتصادی (اقتصاد ملی یا همان اقتصاد اسلامی در نظام اسلامی) و اداره اقتصاد جامعه بر عهده حاکمیت است. قانونگذار و مجری در نظام اقتصادی براساس نسخه‌ها و مجوزهای این دو حوزه عمل می‌کنند، بخش قضا هم نظارت می‌کند. اگر علم اقتصاد (یا عالمان اقتصادی) درست عمل نکنند، ویژگی‌ها و شرایط خاص جامعه را در نظر نگیرد، متغیرها و عوامل را به‌درستی تشخیص ندهد این نقص در نظام اقتصادی است. اگر فهم درست از مکتب نشود، بایدها و نبایدها به‌درستی اعمال نشود، نظام اقتصادی دچار مشکل می‌شود. به هر حال مسئولیت اداره اقتصاد، معیشت، رفاه و توسعه و... در جامعه بر عهده نظام اقتصادی است. حال اگر نظام اقتصادی به‌درستی عمل نکند؛ مکتب مقصر نیست و بر علم و دانشگاه هم می‌توان خرده گرفت چرا که از اینها خوب استفاده نشده است^۱ و یا ساختار نهادهای نظام اقتصادی مناسب نبوده‌اند، مثلاً در شرایط بحران گاهی سازوکار بازار بسیار ضعیف می‌شود و نقش دولت به عنوان یک نهاد مؤثر بسیار اهمیت می‌یابد که باید به کمک ساز و کارهای اقتصادی بیاید و نه آنکه خودش جای آن‌ها را بگیرد.

در اینجا مناسب است به موضوعی که بعضاً مطرح می‌شود اشاره کنیم و آن اینکه آیا علم اقتصاد و مکتب اقتصادی در تعارض‌اند؟ در پاسخ باید گفت اسلام دین علم و معرفت است. چه علم دین چه علوم متعارف که به عنوان ابزار می‌توانند در خدمت اهداف و آرمان‌های دینی باشند. هیچ عاقلی با علم منطقی و متعارف (که حداقل با دین امضا شده باشد) مخالفت نمی‌کند. هیچ علم و عالمی هم مستقل از ارزش‌ها، فرهنگ، فلسفه و... در یک کلام مکتب نیست.

پس چرا تعارض وجود دارد، یا احساس می‌شود؟ تعارض از کج‌فهمی و خلط مطالب است. انتظار از مکتب و انتظار از علم مخلوط می‌شود. ادبیات اقتصادی و به‌خصوص مطالعاتی که در زمینه اقتصاد اسلامی شده است مملو از این خطاهای اساسی است. عده‌ای بدون استدلال و منطق درست، فقط علم و به‌ویژه علم اقتصاد متعارف موجود را مورد حمله قرار می‌دهند. اینها گاهی نه علم اقتصاد را درست فهمیده‌اند و نه در دین ریشه‌یابی درست کرده‌اند. عده‌ای دیگر افراد عالم‌اند که صادقانه و عالمانه نقد می‌کنند و با غور در متون و منابع اسلامی، مفاهیم را ریشه‌یابی و در واقع دستورات و قواعد دینی را استخراج و ارائه می‌کنند که این کار بسیار شده است. یافته‌های این نوع از تحقیقات در حوزه مکتب اقتصادی اسلام است و درحیطه فلسفه اقتصاد دینی است. در جامعه علمی هم متأسفانه گاهی گرفتاری با این خطا مشاهده

۱. از طرفی در نظام جمهوری اسلامی تورم، گرانی و اختلاس و... پیش می‌آید و در برخی نگاه‌ها به حساب اسلام گذاشته می‌شود. در حالی که این موارد از عمل نشدن به دستورات و قواعد اسلام است. از طرف دیگر، گفته می‌شود چرا این همه اقتصاددان داریم ولی... در اینجا هم باید سؤال کرد که مگر در اقتصاد ایران اقتصاددانان تصمیم می‌گیرند، یا چقدر علمی عمل می‌شود؟ پس در این صورت "نظام اقتصادی" مسئول است که علمی نبوده یا الزامات مکتبی را رعایت نکرده یا ترتیبات نهادی نامناسب دارد. این مسائل است که علم و دین را در مقابل هم قرار می‌دهد.

می‌شود به طوری که اخلاق، فلسفه، فقه، فرهنگ، حقوق و ... را به‌جای علم اقتصاد ارائه می‌کنند. از طرفی نمی‌توان از علم اقتصاد هم خارج از قلمرو آن انتظار علت‌گایی و فلسفه‌ای برای هستی داشت.

۳. اهداف نظام اقتصاد اسلامی

هدف عالی یا اصلی نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت جامعه و به‌تبع آن ثروت افراد جامعه و "رفاه عمومی" در چارچوب تعالیم دینی است. در این موضوع که افزایش ثروت و رفاه هدف همه نظام‌های اقتصادی است تردیدی نیست. البته ابزار تحقق این هدف علم و تکنیک‌های اقتصادی است. تفاوت نظام‌ها در امور اقتصادی به هدف غائی آنها مربوط می‌شود. هدف غائی را هم در چارچوب مکتب اقتصادی تعیین می‌کند. مکاتب هم علاوه بر هدف اصلی افزایش رفاه، هدف غایی دارند. حتی مکاتب مادی برخلاف آنچه تصور می‌شود اقتصاد را وسیله‌ای برای توسعه و سلطه اندیشه‌های خود در سطح جهان قرار می‌دهند. شهید آیت‌الله محمد باقر صدر در توضیح هدف اقتصاد و اینکه چرا تولید می‌کنیم، می‌گوید: اختلاف بین مکاتب یکی هدف نهایی افزایش ثروت و دیگری نقش آن در حیات جامعه است. بنابراین هرکدام از سیستم‌های اجتماعی به دو سؤال، چرا تولید می‌کنیم و نقش ثروت چیست، طبق مبانی خاص پاسخ می‌گویند. از این‌رو در بررسی مکتب اقتصادی اسلام یا هر سیستم دیگر، تنها درک اصل رشد و افزایش ثروت کافی نیست بلکه باید مفهوم و هدف از افزایش قدرت مادی را نیز دریافت. برای تبیین مبانی فکری و نظری رشد بایستی مکتب اقتصادی را نه به عنوان یک موضوع مجزا و مطلق بلکه به‌عنوان جزئی از کل یک تمدن و سیستم بزرگ در نظر بگیریم (صدر، ۱۳۵۰: ۲۸۸-۲۸۹).

- گفتنی است حداکثر کردن رفاه عمومی از طریق رشد و توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت، در سایه عدالت و امنیت امکان‌پذیر خواهد بود. دستیابی به این هدف با ویژگی‌هایی که اشاره شد در پرتو برنامه‌ریزی‌های مناسب در چارچوب قواعد مکتب و با استفاده از علم دنبال می‌شود.

۴. اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است

مقاومت، عمل یا عکس‌العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است.

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز ناملایمات، حوادث و بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد.

وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما از اقتصاد، ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی معیشت و معنویت را در تفسیر و الگوی خاصی دنبال می‌کند. با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت، می‌توان گفت اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست. از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأم دارد. علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و تجربیات او طی تاریخ است که شامل حوادث و بحران‌ها هم بوده است و با تغییر شرایط به‌خصوص در زمان بحران‌ها و سختی‌ها قابلیت انعطاف دارد و با تغییر الگوها، سیاست‌ها و ... می‌تواند تغییر روش داده یا

برنامه‌ریزی جدید کند. در "علم اقتصاد" و "برنامه‌ریزی اقتصادی" مفهوم و عمل مقاومت به معنای بهینه‌یابی در هر شرایطی نهفته است. گاهی بخشی از این قابلیت انعطاف را "فنریت اقتصادی"^۱ گفته‌اند (سیف: ۱۳۹۱ و Ficenec و ۲۰۱۰ و McInroy and Longlands 2010) به این معنا که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا آسیب‌های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک‌ها را ترمیم و تا حدودی به حالت قبل برگرداند. حتی برخی این قابلیت را مورد سنجش قرار داده و اندازه‌گیری کرده‌اند (briguglio et al. ۲۰۰۸). بخشی از این قابلیت و ظرفیت به اقدام و عمل برنامه‌ریزان و مدیران مربوط می‌شود که با برنامه‌ریزی و اصلاحات مداوم در آنها، می‌توانند آثار شرایط خاص را تعدیل کنند. از طرفی هم نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مکتب اقتصادی است که خود برگرفته از مکتب الهی و ویژگی‌های آن است که مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف به‌ویژه در سختی‌ها و بحران‌ها از دستورات و توصیه‌های مؤکد مکتبی است. گفته شد در مکتب اقتصادی اسلام، بحث از فلسفه خلقت، فلسفه حیات و آخرت و... هست. در مکتب اخلاق هم، سیاست، فقه، فرهنگ وجود دارد و در یک کلام دین به عنوان برنامه زندگی (از جمله صبر و مقاومت) از جانب خداوند است.

کسی که فلسفه حیات را بداند و بپرسد که ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود و اعتقاد داشته باشد که انالله و انالیه راجعون، و دستورات زندگی خود را از منابع وحیانی بگیرد انسان مکتبی است. مکتب الهی، انسان را در جهت خدا و تکلیف‌گرا می‌سازد. این مسئله خاص اقتصاد نیست، انسان مکتبی در همه جوانب زندگی خویش برای رضای خدا عمل می‌کند. حال اگر این انسان به ابزار تکنیک و صنعت هم دست یافت و بهره گرفت آن را در جهت اهداف مکتبی خویش به کار می‌گیرد. علم اقتصاد یکی از این ابزارهاست. انسان الهی موظف است دنبال ابزارها برود. این انسان دیگر مأمور به نتیجه نیست بلکه مأمور به وظیفه و تکلیف است. البته برکات خداوند بر عمل صالحان (اگر به صلاحشان باشد) نازل می‌شود، کم‌اینکه ناسیاسی، طغیان و معصیت هم برکت را می‌زداید.

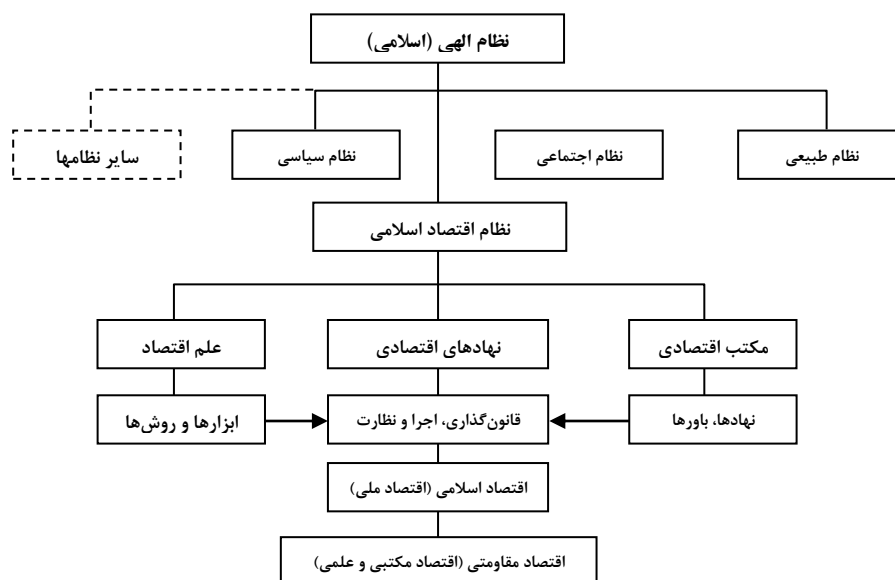
اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی است و بار ارزشی در فرهنگ دینی دارد؛ اما مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی‌سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل "اقتصاد مقاومت"^۲ و یا "قدرت اقتصادی"^۳، فراوان وجود دارد. در واقع همه کشورهایی که به نوعی جنگ یا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و برای توسعه، شرایط سختی را گذرانده‌اند اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه‌ریزی کرده‌اند. برنامه‌ریزی اقتصادی آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و... در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، باتمام اشکالات موجود و عدم درگیری کل توانمندی‌های اقتصادی و غیر اقتصادی، اولویت‌بندی‌های برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می‌شد.

1. Economic Resilience
2. Resistance Economic.
3. Economic Strength.



بنابراین تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در شکل مقاومت، در مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و اهداف آنهاست. اقتصاد مادی‌نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری مانند تغییر اولویت‌های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می‌کند. در مکاتب الهی و توحیدی علاوه بر استفاده از ابزارهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی، از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه‌ریزی‌های تخصصی را پوشش می‌دهد. شکل زیر فرایند نموداری از چارچوب مفهومی نظام اقتصاد اسلامی و مفهوم اقتصاد مقاومتی را در نظام اسلامی نشان می‌دهد.

نمودار - ۱. چارچوب مفهومی نظام اقتصاد اسلامی و مفهوم اقتصاد مقاومتی در نظام اسلامی



۵. الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

گفته شد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصادی اسلامی باشد به‌طبع قابلیت‌ها و ویژگی‌های یک اقتصاد مقاومی را در خود دارد. یک نظام اقتصاد اسلامی، نظامی علمی و مکتبی است که باید براساس این دو پایه نهادسازی شود. به برخی از ویژگی‌های لازم برای تحقق اقتصاد اسلامی و مقاومی در زیر اشاره می‌شود:

الف) اقتصاد علم است و باید علمی اداره شود

منظور، علم و شیوه‌های اجرایی بومی شده‌ای است که متناسب با ویژگی‌های اقتصاد ملی باشد. چه عمل صالح بهتر از عمل عالمانه است. اقتصاد هر کشور برنامه‌ریزی اقتصادی علمی لازم دارد که با اولویت‌بندی

می‌توان به نتیجه رسید. حضرت یوسف پیامبر (ع) به حاکم مصر گفت: "مرا بر اداره خزانه کشور بگمار، چرا که من امین و عالم این کار هستم". بنابراین اقتصاد هر کشور به مسئولان درستکار و امین، عالم و کارشناس متخصص نیاز دارد تا در قالب برنامه‌های کلان و ملی به تخصیص بهینه منابع در چارچوب قوانین و ضوابط نظام اسلامی برای تولید، توزیع و مصرف اقدام کنند. یک برنامه جامع اقتصادی، منابع و نیازها را به هم ربط می‌دهد، تکلیف منابع و عوامل اقتصادی و وظیفه نهادهای اجتماعی (دولت، مردم، شرکت‌ها و ...) را معلوم می‌کند. یک برنامه مصوب، قانون است و اجرا، نظارت، کنترل (احتمالاً اصلاح در عمل) و پاسخگویی لازم دارد.

ب) حوزه عمل اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی باید در جای خود مورد توجه قرارگیرد
 علم به‌عنوان ابزار، وظیفه‌ای دارد و مکتب، حوزه عمل دیگری دارد که بر علم هم احاطه دارد. ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌ها در حوزه اقتصاد دستوری است. همه نظام‌ها در حوزه قلمرو علم اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) یکسانند و تفاوتی ندارند. اقتصاد مقاومتی از این حیث که دارای روح ارزشی است و آن‌هم برگرفته از غایت‌مداری مکتبی است، حتماً فراتر از "اقتصاد ریاضتی" است. اما برخلاف آنچه که بعضاً اصرار می‌شود که این دو مفهوم کاملاً متفاوت‌اند، اقتصاد ریاضتی بخشی از اقتصاد مقاومتی و لازمه آن است که منطق و علم اقتصاد به آن توصیه می‌کنند. مقاومت حاکی از یک شرایط سخت و غیرعادی است که یا به‌دلیل کمبودها- به هر دلیل- یا تصمیم برای توسعه ملی، پیش روی جامعه باشد. در چنین شرایطی جامعه نمی‌تواند در مصرف و تخصیص منابع دست و دل بازانه عمل کند، بنابراین ریاضت اجتناب‌ناپذیر است.

ج) بحران‌ها به حداقل ممکن تقلیل داده شوند

گفته شد که مقاومت و اقتصاد مقاومتی اغلب به شرایط غیرعادی و بحران مربوط است. برای مقابله با بحران باید ابتدا تا جایی که ممکن است از بروز آن جلوگیری کرد و با پیش‌بینی‌هایی از شدت آن کاست. اگر بحران و فشارهای آن به حداقل ممکن برسد، مقاومت در برابر آن با کمترین هزینه صورت می‌گیرد. مسئله مقاومت و تصمیم برای مقاومت امری صرفاً اقتصادی نیست؛ ولی از یک طرف تبعات اقتصادی دارد و از طرف دیگر اقتصاد هزینه‌های مقاومت را اندازه‌گیری می‌کند تا تصمیم‌گیران براساس اطلاعات درست و یک تحلیل هزینه - فایده علمی اولاً هزینه‌های تصمیم‌گیری را بدانند و ثانیاً کم‌هزینه‌ترین راه ممکن را برای مقاومت برگزینند.

د) توجه به تولید ملی پایدار

تولید ملی مهمترین شاخص و متغیر در هر اقتصاد ملی است. اگر چه عوامل دیگری مانند توزیع عادلانه تولید و درآمد حاصل از آن در جامعه درکنار متغیرهای دیگری ملاک توسعه یک کشور محسوب می‌شوند؛ اما تولید ملی رکن اصلی و ستون فقرات اقتصاد است. تولید پویا نه تنها نیازهای جامعه را به

کالاها و خدمات برآورده می‌کند، بلکه اساس اقتدار و پایداری ملت محسوب می‌شود. در هر کشور تولید می‌تواند بسیاری از معضلات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی جامعه را کنترل کند. بیکاری و تورم در جامعه که باعث و علت بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی هستند، خود می‌توانند معلول ضعف و ناکارآمدی تولید ملی باشند.

تولید ملی به‌عنوان اساس و پایه مقاومت یک ملت است. ملتی می‌تواند در مقابل ناملایمات و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی مقاومت کند که بتواند نیازهای مصرفی خانوارها و مواد اولیه و واسطه‌ای تولید را برآورده کند. البته تولید ملی و اقتصاد خوب و کارآمد لزوماً به‌معنای خودکفایی کامل در همه زمینه‌های اقتصادی نیست. چه‌بسا بسیاری از تولیدات غیراقتصادی و فاقد مزیت‌های لازم باشند. اقتصادی کارآمد است که ضمن برنامه‌ریزی و اقدام برای تولید نیازهای اولیه، اساسی و راهبردی جامعه، با بازاریابی‌های مناسب به تولید بیشتر کالاها و خدماتی برای صادرات اقدام کند تا از محل درآمدهای آن بتواند کالاهایی را وارد کند که در تولید آنها مزیت لازم را ندارد. هوشیاری و درایت در برنامه‌ریزی‌ها ایجاد می‌کند که خطوط تولید به‌ویژه در محصولاتی که از خارج وارد می‌شوند، به‌گونه‌ای دیده شوند، که در شرایط لازم برای تولید نیازهای داخلی قابلیت تبدیل و باز تبدیل داشته باشند.

ه) هم اقتصاد و هم مقاومت باید مردمی باشند

اقتصاد دولتی کارآمدی زیادی ندارد. اگرچه برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت دولتی بر اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است. مردم زمانی وارد عرصه اقتصاد سالم می‌شوند که شرایط لازم فراهم و الزامات آن رعایت شده باشد. در رفتارهای عرفی، افراد بهینه کردن مصرف در جهت حداکثرسازی مطلوبیت و رفاه خویش را دنبال می‌کنند. در سمت تولید نیز فعالان اقتصادی برای افزایش تولید و کاهش هزینه‌ها و مآلاً برای کسب سود بیشتر تلاش می‌کنند. اقتصاد ملی زمانی می‌تواند به توفیقاتی دست یابد که مورد قبول و حمایت آحاد جامعه قرار گرفته باشد. این اتفاق هم زمانی روی می‌دهد که مردم اقتصاد ملی را برای منافع و حداقل در جهت کاهش مشکلات خویش ارزیابی کنند. لازمه این دو حالت وضعیتی است که مردم در اقتصاد به‌طور مؤثر ایفای نقش کنند. این شرایط حداقل شرایط لازم در جهت ایجاد انگیزه برای مقاومت در برابر ناملایمات و سختی‌هاست. تعلق خاطر و احساس منافع درکنار ایمان قوی می‌تواند بزرگ‌ترین عامل مقاومت در برابر بحران‌ها و حمایت از اقتصاد ملی به‌عنوان ابزاری برای مقاومت ملی باشد. ثبات قوانین، حقوق مالکیت، وجود قوانین شفاف، اجرای عدالت در توزیع امکانات اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های مناسب و ... مشارکت مردم در اقتصاد را تقویت می‌کند. درستی راه سبب مقبولیت آن است و مقبولیت و ایمان به‌درستی راه هم لازمه مقاومت و پایداری در سختی‌ها و بحران‌هاست. به‌رحال افراد وقتی منافع خود را از مسیر منافع ملی ببینند تک روی نمی‌کنند و یکپارچه برای اداره اقتصاد ملی همت می‌گمارند.

و) مقاومت کار فرهنگی لازم دارد

فرهنگی بسیار غنی برای ایجاد انگیزه مقاومت در اسلام وجود دارد. در نظام اقتصاد اسلامی و به‌ویژه در نظام اقتصادی اسلام، مکتب و اندیشه‌های مکتبی پایه و اساس رفتارهای اقتصادی و برنامه‌ریزی‌ها در

حیطه اقتصاد است. قلمرو و جولانگاه علم اقتصاد و کاربردهای آن در حیطه مکتب اقتصادی برگرفته از فلسفه اقتصادی و فلسفه حیات و آفرینش است. در فرهنگ اسلامی، اقتصاد هدف نیست؛ ولی اقتصاد وسیله و ابزاری ضروری برای بقا و ادامه حیات دنیوی است. انسان باید زنده باشد و تأمین شود تا به سوی هدف متعالی اطاعت پروردگار خویش برود، در این صورت است که مقاومت مطرح می‌شود. برای یک جامعه فقیر و ضعیف در حال نابودی مقاومت، مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد.

به‌هرحال کار فرهنگی، انسانی می‌سازد که در همه ابعاد "مقاومت" تکلیف او می‌شود. این موضوع فقط در مسئله اقتصادی نیست. کار فرهنگی به معنای یادآوری تکلیف و انجام وظیفه است. انسان وظیفه‌گرا در جنگ، دفاع و در همه سختی‌ها و سختی‌ها از جمله در بحران‌های اقتصادی، کمبودها و نیازمندی‌های ملی مثل رشد و توسعه اقتصادی هم مقاومت می‌کند و امیدوارانه و صبورانه تلاش می‌کند. در مکتب اسلام، انگیزه‌های زیادی برای ساختن انسان‌های مقاوم وجود دارد. اینکه دنیا مزرعه آخرت است، حیات واقعی و ابدی در جهان آخرت است و بالاخره جلب رضایت خدای متعال به عنوان بزرگ‌ترین پاداش بندگی، صبر و پایداری است، همگی می‌توانند محرک‌های واقعی سمت مقاومت باشند. نظام آموزشی در کشور می‌تواند مهمترین مسیر فرهنگ‌سازی باشد. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان، نوجوانان و جوانان هر کشور را متناسب با اوضاع و نیازهای هر برهه تربیت کند. البته وقتی مقاومت ماند سایر اعمال عبادت تلقی می‌شود و نتیجه می‌دهد که راه درست باشد و درستی آن به باور افراد و اکثریت جامعه تبدیل شده باشد.

۶. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در این مقاله سعی شد از منظر اسلام و با نگاه توحیدی، نظام اقتصادی مورد توجه و تحلیل قرار گیرد. عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است که اسلام به مفهوم عام برای حاکم کردن این نظام و برای هدایت بشر از جانب خداوند متعال به‌وسیله پیامبر بزرگ اسلام عرضه شده است. این نظام الهی زیرمجموعه‌هایی دارد که نظام اقتصادی از جمله آنهاست و آن مجموعه مرتبط و منظم عناصری است که به‌منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند. وظیفه هر نظام، ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب است. در این تحقیق منظور از نظام اقتصادی، نظامی است که با به‌کارگیری قواعد اقتصادی نظام الهی، در ارتباط با سایر نظام‌ها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف جامعه را بر عهده دارد. هر نظام اقتصادی با این تعریف شامل سه بخش عمده می‌شود: مکتب اقتصادی، نهادهای مرتبط با اقتصاد و علم اقتصاد.

با ترکیب سه عنصر علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و نهادهای اقتصادی-اجتماعی، اقتصاد ملی که به نوعی در نظام اسلامی همان نظام اقتصاد اسلامی است، شکل می‌گیرد و در قالب حکومت اسلامی تحقق می‌یابد. در واقع اقتصاد اسلامی با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد و نهادها، در خدمت مکتب یا همان اهداف نظام اسلامی است. هدف اصلی نظام اقتصاد اسلامی همانند دیگر نظام‌های اقتصادی در سطح

کلان افزایش ثروت جامعه و به تبع آن ثروت افراد و رفاه عمومی است. البته ابزار تحقق این هدف علم و تکنیک‌های اقتصادی است. تفاوت نظام‌ها در امور اقتصادی به هدف غایی آنها مربوط می‌شود. هدف غایی در چارچوب مکتب اقتصادی تعیین می‌گردد. بنابر آنچه گذشت نتیجه گرفته شد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. مقاومت را عمل یا عکس‌العمل مناسب برای مقابله در شرایط بروز ناملايمات، حوادث و بحران‌ها و تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف تعریف می‌شود. از این‌رو اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در شرایط بروز ناملايمات، حوادث، بحران‌ها و یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. اشاره شد که اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست، زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمان دارد. در نهایت می‌توان برخی شرایط و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی را به شرح ذیل برشمرد:

- اقتصاد علم است و هر اقتصاد باید علمی اداره شود.

- حوزه عمل اقتصاد دستوری و اثباتی را مخلوط نکنیم.

- هم اقتصاد و هم مقاومت باید مردمی باشد.

- تولید ملی پایه و اساس اقتصاد مقاومتی است.

- مقاومت کار فرهنگی لازم دارد.

- ساده‌ترین راه مقاومت تقلیل بحران‌هاست.

منابع

- پیغامی، عادل (۱۳۹۱). "اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی".
<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۲۰۵۵۱>
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵). "برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن"، چاپ اول، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- راشد، عبدالباری (۱۳۸۸). "مکتب اقتصادی اسلام و علم اقتصاد".
<http://rashid786.blogfa.com/post.aspx۲۰>
- زریباف، مهدی، "مختصات اقتصاد مقاومتی". گفت‌وگو با پایگاه برهان
<http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=۴۱۲۳>
- سیف، اله‌مراد (۱۳۹۱). "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)". فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۲۲ تا ۵۵.
- صدر، سیدکاظم (۱۳۸۱). فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی، "تعامل علم اقتصاد و مکتب اقتصاد اسلامی"، سال اول، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۰). "اقتصاد ما"، ترجمه ع. اسپهبدی، جلد دوم، چاپ برهان، تهران.
- قحف، منذر (۱۳۸۴). "دین و اقتصاد (نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصادی اسلام)". ترجمه سیدحسین میرمعزی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸، ص ۱۵۷ تا ۱۷۸
- کفشگر جلودار، حسین "نظام‌های اقتصادی"
<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۴۳۴۷۸>
- لطفعلی پور، محمد رضا (۱۳۸۳). "علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و سیستم اقتصاد اسلامی". مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، سال شانزدهم، شماره ۳ و ۴، ص ۸۹ تا ۱۰۶.
- وینتراب، روی "مروری بر مکاتب اقتصادی"، ترجمه: دکتر سید حسین میرجلیلی، سایت علمی دانشجویان ایران، Daneshju.ir
- نمازی، حسین (۱۳۸۳). "نظام‌های اقتصادی"، شرکت سهامی انتشار.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۵). "روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۲، ص ۱۴۷ تا ۱۷۶.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۵). "ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۳، ص ۱۱۰ تا ۱۲۶.

Briguglio Lino, Cordina Gordon, Farrugia Nadia, and Vella Stephanie (2010).
"Economic Vulnerability and Resilience, Concepts and



Measurements", United Nations University, UNU-WIDER, World Institute for Development Economics Research, Research Paper No. ۲۰۰۸/۵۵.

Ficenc, Sarah V. (2010) "Regional Economic Resilience: What Can We Learn from Other Fields? George Washington Institute of Public Policy, December.

McInroy, Neil, Longlands, Sarah (2010). "Productive local economies: creating resilient places", Centre for Local Economic Strategies.

Islamic economic system is a complete model for Resistive Economy

A. Asadi

Received: 17 November 2013

Accepted: 1 June 2014

In divine opinion the world has a unique and coordinate system. This system has some subsets that "Economic system" is one of them .In this paper the Economic system is the system that uses the economic rules of divine system, it associates with other systems and uses economic tools, to provide, distribution and consumption of society needs .in such definition, the Economic system divides in to three important parts that are "Economic school", related economic "institutes" and "Economic science". Aggregating these elements results "National Economy". In fact, that is "system of Islamic economy". Islamic economy forms in through Islamic regimen framework. The aim of Islamic economy in macro level is increasing the communities wealth and social welfare. By this view that is mentioned before, "Resistive Economy" is a product of Islamic economy. Resistive Economy is a stable and dynamic one that allocates the sources in optimized form in hardships and crises or to reach its goals. Also Islamic economy is necessarily Resistive, because Islamic system includes economic science's and economic school's potentials together.

Keywords: *Resistive Economy, Economic school, Economic science, Economic system, Islamic economy*